



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پایداری یاران امیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پایداری یاران امیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پایداری یاران امیر
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	عبدالحسین تهرانی
۷	سعید خان مؤتمن‌الملک انصاری
۸	چراغ علی خان زنگنه
۸	محرم راز امیر
۹	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پایداری یاران امیر

مشخصات کتاب

بر گرفته از:

بهائیت آن گونه که هست / مؤسسه جام جم / چاپ اول / ۱۳۸۷

مقدمه

مورخان (اعم از بهائی و غیربهائی) اتفاق دارند که عامل اصلی سرکوبی فتنه بایان، و اعدام پیشوای آنان (باب)، شخص امیر کبیر بوده است. جالب این است که، حواریون و یاران با وفای امیر نیز نظیر آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین تهرانی (وصی امیر)، میرزا محمد هاشم طباطبایی (منشی مخصوص و محرم راز امیر)، عزیزخان سردار مکرری (داماد امیر)، مؤتمن الملک انصاری (کاتب سیر امیر) و چراغ علی خان زنگنه (نایب الحکومه اصفهان از سوی امیر) سخت با بابیه و بهائیه مخالف بودند و در قلع و قمع ریشه‌های آن در ایران و عراق اهتمام شایان داشتند. مقاله زیر به توضیح این امر می‌پردازد:

عبدالحسین تهرانی

آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین تهرانی «شیخ العراقین» (متوفی ۱۲۸۶ق) از فقیهان نامدار قرن ۱۳ق است که به دقت نظر، اندیشه صائب و همت بلند شهره بود و زمان اقامتش در کربلا جمعی کثیر از مردم آنجا از وی تقلید می‌کردند. [۱] وی شاگرد برجسته آیت‌الله «صاحب جواهر» بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت. [۲] صاحب جواهر، به اجتهاد ۴ تن از شاگردانش تصریح داشت که یکی از آنها شیخ عبدالحسین بود. [۳] سخن چنین شخصیت سترگی درباره شیخ العراقین، گواه رتبه بلند وی در دانش و درایت دینی است. چنان که آیت‌الله میرزا حسین نوری (محدث نامدار شیعه) او را زبده اعظام محققین و نخبه افاحم مدققین می‌خواند. [۴] به نوشته اعتمادالسلطنه (وزیر انطباعات عصر ناصری: تهرانی «مجتهدی بسیار فاضل و به قبول عامه نایل بود. در دولت عثمانی نیز اعتباری» قابل توجه داشت و «حکام عراق عرب او را حرمتی عظیم می‌نهادند.» [۵] ناصرالدین شاه نظارت بر کار تعمیرات و تأسیسات ایران در عتبات عالیات، از جمله، توسعه صحن مطهر سالار شهیدان علیه السلام، و تعمیر بنای آن را، به شیخ العراقین سپرده بود [۶] و «از مراقبت و مواظبت» وی «در تعمیر گنبد منور... و نصب خشتهای طلایی شهر» رضایت تام داشت. [۷] شاه او را در ۱۲۷۴ق برای تعمیر صحن مطهر ائمه اطهار در کربلا و کاظمین و سامرا (علیهم السلام) مأمور کرد و او از ۱۲۷۴ تا ۱۲۸۶ (که در ۲۲ رمضان آن فوت کرد) به این کار اشتغال داشت. کتابخانه شخصی او در کربلا به علت داشتن نسخه‌های نفیس، شهرت داشت. [۸]. شیخ العراقین، مورد اعتماد و عنایت خاص امیر کبیر قرار داشت [۹] و امیر، که از گوهرشناسان روزگار بود، علاوه بر ارجاع محاکمات شرعی دیوان به محضرش [۱۰]، «در مطالب مشکله و امور معضله با او مشورت» می‌کرد [۱۱] و حتی برای تعیین نام فرزندان شاه، از استخاره‌هایش مدد می‌گرفت. [۱۲] عباس اقبال، با اشاره به «ارجاع محاکمات» از سوی امیر «به محضر جناب... شیخ العراقین»، می‌گوید: روز بروز «عقیده او نسبت به جناب شیخ افزون می‌گردید». [۱۳] سپس با نقل داستانی درباره نحوه آشنایی امیر با شیخ می‌افزاید: پس از آن آشنایی، امیر «همواره در ترویج شیخ اقدامات کافی نمود و روز به روز در عقاید او نسبت به شیخ می‌افزود تا آن که محل وثوق امیر شد و طرف مشاوره در بعضی از امور مشکله گردید». [۱۴] به نوشته فریدون آدمیت: در دوران صدارت امیر «همه دعاوی که جنبه شرعی داشت و به دیوانخانه رجوع شده بود، به محضر شیخ عبدالحسین احاله می‌گردید. داوری

او قطعی بود. کنت دوگوبینو نیز از شیخ عبدالحسین به احترام یاد می‌کند؛ او را فقیهی بلند پایه و پاکدامن، و خونسرد و با فراست می‌شناسد». [۱۵]. امیر حتی وصی خود را شیخ عبدالحسین قرار داد [۱۶] و شیخ نیز، مدرسه و مسجد حاج شیخ عبدالحسین (واقع در بازار تهران) را از ثلث میراث امیر بنیان نهاد. مهدی بامداد می‌گوید: «شیخ العراقین از مجتهدین معروف، و به زهد و تقوی و مدیریت در کار شهرت زیادی داشت. شادروان... امیر کبیر با آن نظر دقیقی که در شناسایی مردم و به ویژه ملاها داشت در بین تمام روحانیون زمان خود، او را وصی خویش قرار داد و شیخ العراقین هم از مال الوصایه امیر شهید، مسجد و مدرسه‌ای عالی در تهران بنا نهاد که امروزه به مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین یا مسجد آذربایجانی‌ها معروف می‌باشد». [۱۷] شواهد همچنین حاکی است که پس از قتل امیر، شیخ مباشرت امور خانواده وی را بر عهده داشت. [۱۸]. شیخ عبدالحسین، به کمال و کارآمدی احکام و قوانین اسلامی در جامعه بشری ایمان راسخ داشت و معتقد بود که «هرگاه مدار دولت و مملکت داری از روی شریعت مطهره باشد... هیچ فتنه و فساد بر نیاید». [۱۹] بر همین اساس، زمانی که دید «بدعت» باب و بهاء، کیان دین را به خطر افکند، با جدیت تام به مبارزه برخاست. قدیم ترین اقدام او در این راه ممانعت از ملاقات باب و مریدانش با محمدشاه قاجار (پدر ناصرالدین شاه) بود که فرصتی تاریخی برای «اظهار وجود» و «تبلیغ» را از آنان گرفت. کنت دوگوبینو، وزیر مختار فرانسه در ایران، «حاجی شیخ عبدالحسین که مردی فقیه و مجتهد و متدین و متقی است، فراست و قضاوتهای بی طرفانه‌اش موجب اعتماد همه کس شده و طرف احترام عموم است، به شاه و وزیر و بزرگان مملکت گفته بود: آیا در نظر دارید که به جای مذهب کنونی، مذهب جدیدی که هنوز نمی‌شناسید برقرار نمایند؟...» [۲۰]. روشن است که برای فقیه تیزبینی چون شیخ العراقین، «بطلان دعاوی باب» - با توجه به شواهد و دلایل گوناگون، از آن جمله: «توبه صریح» خود باب بر فراز منبر شیراز، و وجود اغلاط پیش افتاده ادبی در الواح صادره از وی - کاملاً واضح بود و آمدن باب و جمعی از مریدانش به پایتخت به عنوان ملاقات با سلطان، بیشتر فرصتی برای «ابراز وجود» و «تبلیغات مسلکی» بود. خاصه آنکه، احساس می‌شد که دستهای مشکوکی از درون حکومت (نظیر منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان) با اغراض سیاسی در پی تقویت فتنه، و ماهی گرفتن از آب گل آلودند... لذا «هوشمندانه» مانع اجرای این سناریوی خطرناک گردید. تهرانی در زمان تبعید بهاء به عراق، و تجمع بایبان در آن سامان، در عراق می‌زیست و شاهد فعالیت‌های سوء آنان بود. منابع بهائی تصریح دارند که بایبان مهاجر، شبها به دزدیدن کفش و کلاه و پول و پوشاک زوار شیعه در اماکن مقدسه می‌پرداختند [۲۱] و به اعتراف خود حسینعلی بهاء: «در اموال ناس من غیر اذن تصرف می‌نمودند و نهب و غارت و سفک دماء را از اعمال حسنه می‌شمردند». [۲۲]. علاوه، بین خود بایبها نیز بازار آشوبگری و آدمکشی رونق داشت و به قول خواهر بهاء (عزیه خانم) بهاء نیز در این فجایع بی‌دخالت نبود. [۲۳]. اقدامات شیخ العراقین کینه شدید سران مسلک باب و بهاء، را بر ضد وی برانگیخته است. حسینعلی بهاء در لوحی که به نام شیخ صادر کرده سخت به وی تاخته و او را «غافل مرتاب» و عنصری «مکار» می‌خواند! [۲۴] و شوقی افندی (نتیجه دختری بهاء، و جانشین عباس افندی) نیز در فحشنامه‌ای که با عنوان «لوح قرن» از خود به جا نهاده، کراراً شیخ را با الفاظی چون «شیخ خبیث» [۲۵] و «مردود دارین و مبعوض ثقلین» [۲۶] مورد هتک و شتم قرار داده است.

سعید خان مؤتمن‌الملک انصاری

میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک انصاری، ادیب و سیاستمدار برجسته ایران در عصر قاجار، از برکشیدگان خاص امیر کبیر [۲۷] و منشی و کاتب اسرار [۲۸] او می‌باشد که ترقیات سیاسی (و حتی لقب مؤتمن‌الملکی) اش را پیش و بیش از هر کس مرهون عنایات امیر است. روزنامه وقایع اتفاقیه (شماره ۱۱ محرم ۱۲۶۸) در روزهای آخر صدارت امیر می‌نویسد: از آنجا که میرزا سعید خان در خدمات محوله «صداقت و راست قلمی» خود را مشهود پیشگاه مبارک داشته و «مصدر خدمات تحریر رسائل خاصه و به صفت امانت و رازداری و درستکاری» موصوف گشته به لقب مؤتمن‌الملکی سرفراز آمد. [۲۹]. ناصرالدین شاه میرزا سعید را پس از

مرگ امیر (و طبق سفارش خود او) برای مدتی مدید به وزارت امور خارجه ایران منصوب کرد و میرزا سعید نیز، در حد وسع خویش، راه استاد شهیدش (امیر) را در سیاست داخلی و خارجی ایران تعقیب می کرد. او در ماجرای عقد قرارداد امتیازات استعماری رویتر (توسط میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی، صدر اعظم «فراماسون» و «انگلو فیل» ناصرالدین شاه) از مخالفان جدی سپهسالار بود و به همین علت، چند سال به اسم تولیت آستانه حضرت رضا (ع)، تبعید به مشهد شد. رساله‌ای که از طریق میرزا سعید بر ضد ملکم خان (بنیانگذار فراموشخانه فراماسونری در ایران) و در رد القائنات فریبنده و استعماری وی در سال ۱۲۸۲ ق به دست شاه جوان و مجذوب رسیده، به روشنی بازنمای افکار و احساسات اسلامی و ضد استعماری / ضد استبدادی اوست. تلاش ارزنده دیگر میرزا، زمینه سازی جهت تدوین و اجرای یک قانون اساسی جامع بر پایه فقه شیعی است که متأسفانه با مرگش نافرجام ماند.

شرح زندگی و خدمات میرزا به اسلام و ایران، و نقد تحریفات مورخان در این زمینه، دفتری مفصل می‌طلبد که این مجال، گنجایش آن را ندارد. در خاطرات ممتحن الدوله و نیز کتاب رجال وزارت خارجه او، اطلاعات ناب و سودمندی را می‌توان درباره وی دریافت. در خاتمه، با تأکید بر اتحاد و صمیمیت بین دولتمندان ایران و عثمانی، از سستی و تسامح دربار عثمانی (با وجود آگاهی از خطر این گروه) در همکاری با دولت ایران برای دفع آنها انتقاد می‌کند و خواستار گفتگوی سفیر ایران با مقامات عالی ترکیه جهت تحویل بهاء و همدستانش به ایران می‌شود. [۳۰] بیره نیست که منابع بهائی، میرزا سعید را فردی مخالف بهاء، و عامل تبعید او از عراق و حبس وی در عکا می‌شمارند. [۳۱].

چراغ علی خان زنگنه

چراغ علی خان زنگنه «سراج الملک» (متوفی ۱۲۸۷) از دست پروردگان و برکشیدگان امیرکبیر است که در مأموریت مهم و مشهور امیر در کنفرانس ارزنة الروم، عضو هیئت دیپلماتیک ایران بود [۳۲] و امیر پس از رسیدن به صدارت نیز، او را به حکومت منطقه بسیار مهم و استراتژیک «اصفهان» برگماشت و او با کفایت خویش، توانست رضایت مردم را جلب کند. کنت دو گوینو از «لیاقت فراوان» چراغ علی در حکومت اصفهان سخن گفته و می‌افزاید که وی، «رضایت عموم را فراهم کرده بود». [۳۳] به گفته همو: «چراغعلی خان مردی است بسیار خوش قیافه که چهره‌ای باهوش و شریف دارد و از آداب دانی برخوردار است». [۳۴] خدمات چراغ علی خان، زمانی که ناصرالدین شاه همراه امیر به اصفهان رفت، مورد تقدیر قرار گرفت. [۳۵]. حسین سعادت نوری، خدمات مهم و گوناگون وی در اصفهان را برشمرده و ضمن اشاره به حسن روابطش با علمای بزرگ و پارسای شهر، نقش مؤثر او در تأمین نظم و امنیت منطقه، پیشبرد تسلیحات نظامی و صنایع نساجی، تعمیر ابنیه تاریخی، اصلاح امر کشاورزی، ارزانی نرخ اجناس، و جلوگیری از تعدی مأموران دولت و اشخاص زورمند به مردم را شرح داده است. [۳۶]. در آشفته بازار پس از قتل باب، دو تن از بایان (اسماعیل و محمد قاسم عبادوز) در اصفهان، ادعای رجعت حضرت محمد و علی (ع)! کرده و فتنه‌ای را پی افکندند. چراغ علی آنها را دستگیر و به حکم فقهای اصفهان، در میدان نقش جهان اعدام کرد. [۳۷]. وی همچنین ۲۸ شوال (سالروز نجات شاه از ترور بایان) را در اصفهان جشن می‌گرفت که خبر آن را می‌توان در روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۱۴۰ (۲ محرم ۱۲۷۰ ق) بخش مربوط به حوادث اصفهان، دید و خواند.

محرم راز امیر

حاج میرزا محمد هاشم طباطبایی، فرزند آیت‌الله میرزا مهدی قاضی طباطبایی است که در عصر خود فقیه پارسا و بزرگ تبریز قلمداد می‌شد و با عباس میرزا و وزیر با تدبیرش (میرزا بزرگ فراهانی پدر قائم مقام) در حل مشکلات آذربایجان همکاری

گسترده داشت و خاصه در «تنفیذ ولایتی و شرعی» امور مربوط به حکومت و اجتماع آذربایجان به آنان یاری می‌داد. [۳۸] قائم مقام در نامه‌ای به پدرش میرزا بزرگ، از زبان عباس میرزا خاطر نشان می‌سازد که: «عالی جاه میرزا مهدی، در حقیقت، یکی از امنای دولت و محارم حضرت ما است... آب و گل و جان و دل او در هوای ما و رضای ما است...» [۳۹]. میرزا هاشم، پس از مرگ محمد شاه همراه ناصرالدین شاه و امیر کبیر به تهران آمد و در مقام منشی مخصوص و محرم سر امیر، شریک غمها و شادیهای آن رادمرد شد و پس از قتل امیر نیز، همچون غالب یاران او، صدمه‌ها دید. میرزا هاشم با بایان سخت مخالف بود و این امر از نامه‌ای که پس از ترور نافرجام ناصرالدین شاه توسط بایان (شوال ۱۲۶۸) به صدراعظم وقت نوشته کاملاً پیدا است، آنجا که، ضمن ابراز نهایت خوشحالی از ناکام ماندن تروریستهای بابی در قتل شاه ایران، از آنها با غیظ، به عنوان «حرامزاده‌ها» یاد می‌کند. [۴۰].

باورقی

- [۱] برای نمونه ر.ک، اظهارات ابوالقاسم افغان، مورخ بهائی، در عهد اعلی...، ص ۳۸۸ و ۳۹۰؛ مجله «پیام بهائی»، ش ۲۹۶، ژوئیه ۲۰۰۴، «یادداشت ماه».
- [۲] معارف الرجال، شیخ محمد حرزالدین، ۲ / ۳۴.
- [۳] الکرام البرره، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۲ / ۷۱۳؛ معارف الرجال، ۲ / ۳۵.
- [۴] معارف الرجال، ۲ / ۱۱۲.
- [۵] مکتوبات، اعلامیه‌های... شهید شیخ فضل‌الله نوری، محمد ترکمان، ص ۴۴۹.
- [۶] چهل سال تاریخ ایران... (المآثر و الآثار)، به کوشش ایرج افشار، ۱ / ۱۸۹. درباره شیخ عبدالحسین، همچنین، ر.ک، ریحانه الادب، علامه خیابانی، ۳ / ۳۲۹.
- [۷] ریحانه الادب، ۳ / ۳۲۹ و نیز: معارف الرجال، ۲ / ۳۵.
- [۸] روزنامه ناصرالدین شاه به خراسان، علینقی حکیم الممالک، ص ۴۷۰.
- [۹] نامه‌های امیر کبیر به انضمام رساله نوادر الامیر، تدوین سید علی آل‌داود، ص ۳۱۶.]
- [۱۰] بامداد به «ارادت» میرزا تقی خان امیر کبیر نسبت به شیخ تصریح دارد (شرح حال رجال ایران، ۶ / ۹۴).
- [۱۱] امیر کبیر و ایران، آدمیت، ص ۳۰۸ و ۳۴۳.
- [۱۲] نوادر الامیر، شیخ المشایخ امیر معزی، صص ۳۱۶-۳۱۵.
- [۱۳] ر.ک، اسناد و نامه‌های امیر کبیر، همان، ص ۸۲.
- [۱۴] میرزا تقی خان امیر کبیر، ص ۱۶۸.
- [۱۵] همان، صص ۱۶۸-۱۷۱.
- [۱۶] امیر کبیر و ایران، ص ۳۰۸. نیز ر.ک، ص ۳۴۳ و ۱۰۳.
- [۱۷] همان، ص ۳۰۸؛ میرزا تقی خان امیر کبیر، ص ۱۶۸ و ۳۶۸.
- [۱۸] شرح حال رجال ایران...، ۲ / ۲۴۴-۲۴۳. نیز ر.ک، همان: ۶ / ۹۴ و ۱ / ۲۲۱-۲۲۰؛ چهل سال تاریخ ایران...، ۱ / ۱۸۹؛ مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان، به کوشش کریم اصفهانیان، ۲ / ۳۶۷-۳۶۶.
- [۱۹] میرزا تقی خان امیر کبیر، صص ۳۷۴-۳۷۳، نامه مادر امیر. همچنین برای مشاهده وقفنامه‌ای از مادر امیر که در آن از شیخ العراقین یاد شده ر.ک، گنجینه اسناد، سال ۳، دفتر ۲ و ۳، صص ۱۱۱-۱۰۷.
- [۲۰] اندیشه ترقی...، فریدون آدمیت، ص ۱۰۳.

- [۲۱] سیاستگران دوره قاجار، خان ملک ساسانی، چاپ آل داود، صص ۳۴۴-۳۴۵.
- [۲۲] قرن بدیع، شوقی افندی، ۲/ ۱۰۷-۱۰۶.
- [۲۳] مائده آسمانی، اشراق خاوری، تهران ۱۳۲۷ش، ۷/ ۱۳۰.
- [۲۴] داستانهایی از حیات عنصری جمال اقدس الهی، علی اکبر فروتن، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، ص ۱۷؛ عهد اعلی...، ص ۵۱۴.
- [۲۵] برای نوشته بهاء ر.ک، همان، ص ۵۶۸ و نیز ص ۵۱۵.
- [۲۶] توقعات مبارکه حضرت ولی امر، لوح قرن احباء شرق، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۳ بدیع، ص ۶۷.
- [۲۷] همان، ص ۱۸۵.
- [۲۸] ر.ک، رجال وزارت خارجه، ممتحن الدوله، صص ۱۷-۱۸؛ رجال دوره قاجار، حسین سعادت نوری، ص ۲۶۸؛ «وفیات معاصرین»، محمد قزوینی، یادگار، سال ۵، ش ۲-۱، ص ۱۰۳.
- [۲۹] وفیات معاصرین، ص ۱۰۳. اعتمادالسلطنه در منتظم ناصری (ج ۳، ص ۱۹۶) از میرزا سعید به عنوان «کاتب اسرار مکتومه و منشی رسائل خاصه» امیر نام می برد که به قول سعادت نوری: «به اصطلاح امروز، ریاست دفتر رمز و محرمانه» او می شود (رجال دوره قاجار، ص ۲۶۸).
- [۳۰] امیرکبیر و ایران، آدمیت، ص ۲۰۹.
- [۳۱] برای متن نامه‌ها ر.ک، تاریخ جامع بهائیت (نو ماسونی)، بهرام افراسیابی، صص ۳۹۲-۳۸۸؛ فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۹۴ به بعد.
- [۳۲] سه سال در آسیا، سفرنامه کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۹۷.
- [۳۳] همان: صص ۱۹۷-۱۹۸.
- [۳۴] همان: ص ۱۹۵.
- [۳۵] رجال دوره قاجاریه، حسین سعادت نوری، ص ۱۸۹.
- [۳۶] همان، صص ۱۸۴-۲۰۵.
- [۳۷] وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۹ ربیع الاول ۱۲۶۸ق، ستون اخبار مربوط به اصفهان؛ حقایق الاخبار ناصری، خورموجی، به کوشش خدیو جم، نشر نی، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۵.
- [۳۸] تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا، صص ۲۲۳-۲۲۴؛ تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، قاضی طباطبایی، صص ۳۲۱-۳۲۲.
- [۳۹] منشآت قائم مقام، چاپ محمد عباسی، ص ۱۳۶.
- [۴۰] نسب نامه، شاخه‌ای از طباطبایی‌های تبریز، سید جمال ترابی طباطبایی، صص ۱۱۲-۱۱۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

